عوامل اجتماعی مؤثر بر مدرسه هراسی دانش آموزان دوره اول ابتدایی

صفی اله ملکی[1]
دکتر حمید انصاری[2]
دکتر اصغر مهاجری[3]

چکیده

ترس از مدرسه یک مقوله اجتماعی است که به شکلی گسترده از سوی جامعه‌شناسان مورد مطالعه قرار گرفته است. مدرسه هراسی می‌تواند به اختلالات یادگیری برای دانش آموزان و مشکلات و آسیبهای جدی برای خانواده‌ها، مدرسه و جامعه بینجامد. مقاله حاضر با هدف شناخت، بررسی و تحلیل عوامل اجتماعی مؤثر بر مدرسه هراسی در کودکان در سه زمینه عوامل مرتبط با ویژگیهای فردی، عوامل خانوادگی با رویکرد انتظارات اولیا از فرزندان و عوامل انسانی و فیزیکی مدرسه به این موضوع پرداخته است. روش پژوهش پیمایشی است و پژوهش با به‌کارگیری پرسشنامه (با مقدار آلفای کرونباخ ۰/۸۵ که نشان از قابل اعتماد بودن آن دارد) و با جامعه آماری ۵۴۵ نفر از والدین دانش‌آموزان دوره سه سال اول ابتدایی که با فرمول کوکران حاصل شده به صورت میدانی انجام گرفته است. این پژوهش در پی یافتن سهم عوامل اجتماعی مدرسه هراسی در میان دانش‌آموزان تهرانی پایه‌های اول تا سوم ابتدایی بوده که طبق نتایج حاصله سه عامل فشار خانواده در امر تحصیل فرزند، نظر اولیای مدرسه نسبت به دانش‌آموز و تجربه کودک در زمینهٔ محیط مدرسه از عوامل مؤثر بر مدرسه هراسی دانش‌آموزان است، به طوری که ۲۰/۲ درصد از متغیرهای مدرسه هراسی دانش‌آموزان دوره اول تا سوم دبستان به عوامل پیش‌گفته بستگی داشته است. بیشترین تأثیر ۱۸ درصد مربوط به عامل فشار خانواده در امر تحصیل فرزندان، ۱/۳درصد رفتار اولیای مدرسه نسبت به دانش‌آموز و ۰/۹ درصد مربوط به تجربه کودک در محیط مدرسه است.

کلید واژگان: والدین، دانش‌آموزان، مدرسه‌هراسی، خانواده، ویژگیهای فردی، عوامل انسانی و فیزیکی مدرسه

تاریخ دریافت: ۹۶/۶/۲۶ تاریخ پذیرش: ۹۷/۴/۲۴

۱. دانشجوی دکتری جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی s.maleki76@yahoo.com
۲. دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی (نویسنده مسئول) h.ansari2253@yahoo.com
۳. استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی asgharmohajeri@yahoo.com

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1398.16.3.5.4]

مقدمه

آموزش و پرورش در حکم نهادی اجتماعی با پدیده‌ها و نهادهای اجتماعی دیگر مانند خانواده، اقتصاد، مذهب و سیاست همبستگی دارد که برای تبیین عینی، شناخت و شناسایی آن ابعاد ضروری است. علاوه بر اهمیت آموزش و پرورش در سرنوشت آتی جامعه و تعامل آن با سایر نهادهای اجتماعی، خانواده به منزلهٔ نهادی پرنفوذ، تربیت غیررسمی دانش آموزان را به عهده دارد. همچنین ویژگیهای فردی دانش آموزان در فرایند یادگیری از طریق تعامل با کارکنان مدرسه و فضای فیزیکی مدرسه و دوستان همواره مورد پژوهش و تحقیق جامعه شناسان بوده است تا بتواند مدرسه و خانواده را به مثابه یک مرکز مهم تربیتی و آموزشی برای ایفای نقشهای اجتماعی آماده کنند. از آنجا که ورود به مدرسه یکی از مهیج‌ترین دوران زندگی کودک است، بنابراین نباید او از موجودی فعال، با نشاط و علاقه‌مند به دانستن به موجودی منفعل و آرام برای کسب نمره و تأیید دیگران تبدیل شود. در این پژوهش سعی شده است علل اجتماعی مدرسه هراسی و راههای اصلاح و کاهش آن به صورت علمی ارائه شود.

کودکان سرمایه‌های اجتماعی جامعه در هر کشورند که سلامت روح و جسم آنان تضمین کنندهٔ توسعه پایدار اجتماعی و اقتصادی خواهد بود(مور، ۱۳۶۷). از آنجا که خانواده و مدرسه دو بال و دو یار اساسی زندگی اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان هستند و از دیدگاه جامعه‌شناسان، انسانها از زمان تولد درکنش اجتماعی با دیگران، تعاملات اجتماعی و سازگاری اجتماعی (فرهنگ پذیری) را می آموزند، لذا باید زمینه‌های آگاهی، شناخت و رهنمودهای علمی و منطقی را یاد بگیرند. همچنین نظام آموزشی در شکل‌گیری شخصیت و دادن الگوی صحیح برای تربیت دانش آموزان و پیشرفت تحصیلی آنان و تحقق بخشیدن به اهداف نظام آموزشی تأثیر بسیار دارد (خنیفر، ۱۳۸۹). محیط مدرسه، ارتباطات اجتماعی، مدیریت، کادر اجرایی، امتحانات، محتوای درسی، قوانین و مقررات مدرسه و فرهنگ و نگرش والدین نسبت به مدرسه و فرزندان‌شان می‌تواند در سرنوشت و توانمندیهای آینده کودکان و توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور مؤثر باشد.

اصطلاح مدرسه هراسی بعد از اجباری شدن نظام آموزش و پرورش از قرن نوزدهم به وجود آمده است که به اشکال متفاوت مانند غیبت بدون اجازه از مدرسه، مدرسه‌گریزی، افت تحصیلی و اختلالات شخصیتی آشکار می‌شود(همان منبع) که دلایل آن را باید بیشتر در خانواده‌ها، فرهنگ جامعه، نظام آموزشی، معلم، کادر اجرایی، محتوای کتابهای درسی و ویژگیهای فردی دانش آموزان جستجو کرد. با جدایی کودکان از فضای صمیمی خانه و وابستگی شدید آنان به محیط خانه یک

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1398.16.3.5.4]

کشمکش و تعارض روحی در کودکان حاصل می‌شود، به طوری که کودکان برای اولین بار به ترسیم تصویری از من اجتماعی (آرونسون، ۱۳۷۵) در خود براساس نگرش معلمان و همسالان می پردازند که با زوایای دید قبلی آنان که در یک محیط خانوادگی بود، متفاوت خواهد بود.

«هراس از مدرسه»، «گریز از مدرسه» و «رویگردانی از مدرسه» معنای یکسان ندارند، به طوری که در مدرسه‌گریزی دانش‌آموز به طور متناوب غیبت می‌کند و به مدرسه نمی‌رود و اولیا نیز از این موضوع غالباً اطلاعی ندارند و معمولاً به سبب تنبلی و برخورد نامناسب مدرسه است، ولی در روی‌گردانی از مدرسه کودک به طور پیوسته و به صورت مستمر به مدرسه نمی‌رود و خانواده (والدین) از نرفتن او به مدرسه آگاهی دارند. «رویگردانی از مدرسه» به سبب ناتوانی کودک به علل عاطفی درون خودش پیش می‌آید و عوامل خارجی و اجتماعی و روابط خانوادگی و مدرسه در آن مدنظر نیست. اما هراس از مدرسه موضوعی تازه نیست و صرفاً علل روانی و فردی ندارد بلکه علاوه بر ویژگیهای رفتاری، شخصیتی و فردی بیشتر عوامل اجتماعی دارد که از طریق یادگیری و تجربه در آنان حاصل می‌شود.

بنا به گفته شعاری نژاد (۱۳۷۷)، ویلیام شکسپیر درباره ترس کودک از مدرسه می‌گوید: کودک همانند یک حلزون با بی‌میلی به سوی مدرسه می‌خزد. این یک واقعیت است اما این بی‌میلی صرفاً به دلیل عدم تمایل طبیعی به یادگیری و بهره هوشی پایین کودک نیست، بلکه بیشتر به دامنه تجربه و یادگیری او از مدرسه برمی‌گردد. پژوهشگر در این تحقیق در پی بررسی زمینه‌های اجتماعی اثرگذار بر مدرسه هراسی است و هدف پژوهش شناخت، توصیف و تفسیر عوامل اجتماعی و ارائه راهکارها و پیشنهادات اصلاحی برای مسئولان نظام تعلیم و تربیت است.

اهمیت موضوع تحقیق

یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های آتی کشور تربیت نیروی انسانی ماهر و کارآزموده از طریق نظام آموزش و پرورش برای توسعه اقتصادی‌اجتماعی می‌باشد (تقی‌پور، ۱۳۹۳). افت تحصیلی در مدارس یکی از معضلات جدی نظام آموزشی است که سالانه هزینه‌های کلانی را بر کشور تحمیل می‌کند. میان افت تحصیلی با نظام آموزشی و فرهنگ، اجتماع، خانواده و ویژگیهای فردی افراد رابطه ای معنادار وجود دارد که می‌تواند علاوه بر اتلاف هزینه‌ها و اتلاف وقت، آثاری مخرب بر رفتار و شخصیت فرد بگذارد و حتی مانع جدی اعتلای فرهنگی و اقتصادی کشور شود(فضلی، ۱۳۸۹). بررسی دلایل افت تحصیلی و روشهای مقابله با آن به‌ویژه در حوزه عوامل اجتماعی

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1398.16.3.5.4]

همچنین آسیب‌شناسی و شناخت مشکلات و موانع می‌تواند با تبادل اطلاعات میان خانواده و معلم میسر شود(نورستن و همکاران ، ۱۳۶۷).

کودکان در دوره ابتدایی دارای ویژگیهایی هستند که آنها را از دیگر دوره‌ها متمایز می‌سازد و مهم‌ترین آن این است که این دوره پنجره فرصت در تعلیم و تربیت قلمداد می‌شود. فرصتی ارزشمند که وقتی از دست برود، دیگر کاری نمی‌توان کرد. «دوره ابتدایی یکی از دوره‌های با اهمیت در نظامهای آموزش‌وپرورش است، چراکه زمینه و شرایط شکل‌گیری شخصیت و رشد همه‌جانبه افراد در این دوره فراهم می‌شود. به اعتقاد برخی از صاحب‌نظران، این دوره مناسب‌ترین فرصت برای تحصیل و یادگیری و سرآغاز رشد استعدادهای کودک است.» «چنانچه کودکان در این سنین مهارتهای لازم را نیاموزند، فرصت جبران آن در مراحل بعدی رشد وجود نخواهد داشت. افزایش نیاز در جامعه به آموزش به ویژه آموزش ابتدایی در مقابل نبود منابع و امکانات لازم برای پاسخ به این نیاز روزافزون، چالشی اساسی پیش‌روی آموزش‌وپرورش است (ملکی و عربانی‌دانا، ۱۳۹۱). از سویی نیز، با افزایش آگاهیهای جوامع، تقاضا و انتظار دستیابی به آموزش‌وپرورش کیفی، دغدغه ای جدی را در سیاستگذاری و برنامه‌ریزی آموزش‌وپرورش به وجود آورده است که به سادگی نمی‌توان از کنار آن گذشت. محسن طلایی سفیر وقت ایران در ژاپن (۱۳۸۸): «دانش‌آموزان در ژاپن به‌قدری به مدرسه و معلمان خود علاقه‌مند و وابسته اند که اگر اولیا بخواهند آنان را تنبیه کنند به فرزاندشان می‌گوید فردا نمی‌گذارم به مدرسه بروید و سخت‌ترین شرایط روحی به کودک تحمیل می‌شود.» چرا کشورهای پیشرفته این‌گونه هستند؟ فضای آموزشی، محتوای کتب یا فرایند ارزشیابی و.... چگونه است که دانش آموزان را در کشورهای در حال توسعه گریزان از مدرسه و در کشورهای پیشرفته مثل ژاپن علاقه‌مند به مدرسه کرده است؟ ازاین‌رو اصلاح نگرش در اولیا و کادر مدرسه و دانش آموزان بیش از گذشته احساس می‌شود که در این تحقیق ریشه‌یابی و مورد بررسی قرار گرفته است(ملکی،۱۳۸۸، بازدید از مدارس ژاپن و مالزی). رویکرد تغییر و تحولات عصر ما که عصر انفجار اطلاعات است با پیشرفتهای سریع فناوریهای ارتباطی همراه است. سواد از مفهوم سنتی آن که به صورت خواندن و نوشتن بود خارج شده و قابلیتها و توانمندیهای انسانها تغییر یافته و فراتر از محلی، ملی و سنتی شده است، به‌طوری‌که بیشتر سواد علمی و دیجیتالی شده است. در دنیای امروز سی و یک نوع سواد مطرح شده است: سواد سیاسی، سواد اقتصادی، سواد اجتماعی، سواد هنری، سواد عاطفی، سواد بهداشتی و ...که آموزش و پرورش باید بتواند پاسخگوی این نیازهای انسانها و جامعه باشد (فضلی، ۱۳۸۹)؛ لذا

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1398.16.3.5.4]

لازم است نگرش مسئولان نسبت به نظام آموزش و پرورش اصلاح شود و با توجه به پیشرفتهای روزافزون فناوری متناسب با نیازهای جامعه باشد، نه انباشتن محفوظات در ذهن دانش آموزان که روشی سنتی است. کارآمدی نظام آموزشی در گرو پرورش انسانهای کامل و رشدیافته علمی، اخلاقی، عاطفی و اجتماعی است. پیشرفتها و تحولات پرشتاب کنونی و مطرح شدن دیدگاههای تکثرگرایی شناختی، انواع سوادها و سبکهای یادگیری ایجاب می‌کنند که نگاهی جامع به انسان، به ویژه به کودکان و نوجوانان داشته باشیم. براین اساس نظامهای‌تربیتی جهان تلاش می‌کنند در برنامه‌ریزی، اجرا و ارزشیابی تحقق‌پذیری اهداف پرورشی انسانهایی را مدنظر قرار دهند که با بهره‌گیری از فرصتها و امکانات بتوانند با توجه به تغییر و تحولات آینده، ویژگیها و مهارتهای لازم را برای زندگی کسب کنند(براون و هورن،۱۳۷۹). از این رو انتظار می‌رود که آموزش و پرورش در حکم یک نهاد تأثیرگذار نظام آموزشی به طور متوازن و متعادل با همکاری و هماهنگی خانواده‌ها، زمینه‌ها و امکانات لازم را برای رشد همه جانبه دانش آموزان به ویژه با کاهش عوامل اجتماعی مدرسه‌هراسی فراهم نماید.

پیشینه و ادبیات نظری پژوهش

پژوهشی که صرفاً در مورد عوامل اجتماعی مؤثر بر مدرسه هراسی دانش آموزان باشد پیدا نشده است. بیشتر پژوهشها در حوزهٔ روانشناسی و روانشناختی و جنبه‌های روانی و فردی دانش آموزان و به مثابه اختلالات رفتاری و جنبه‌های درمان آن از طریق مشاوره خانواده‌ها و... ارائه شده است؛ به طوری که پژوهشهای داخلی و خارجی عوامل ایجاد کننده مدرسه هراسی را در یک بعد از ابعاد و عوامل اجتماعی مانند جدایی والدین، ارزشهای فرهنگی خانواده، اختلالات رفتاری خانواده، انضباط شدید رفتار والدین، ناسازگاری اجتماعی، سبکهای فرزندپروری، مقررات سختگیرانه مدرسه، برنامه‌های درسی و کیفیت آموزشی یا یکی از ابعاد روانشناسی مانند بی‌انگیزگی، اضطراب شدید روان نژند، اختلالات اسکیزوفرنیک و آشفتگی ذهنی، عاطفی، هیجانی و روانی مورد بررسی و تحلیل قرار داده اند. درصورتی که این پژوهش ضمن ارزیابی و بهره‌گیری از نتایج این پژوهشها، بر اساس عوامل اجتماعی در سه زمینه مرتبط با ویژگیهای فردی، عوامل خانوادگی و عوامل انسانی و فیزیکی مدرسه به موضوع پرداخته است.

شرفی (۱۳۶۷) در پژوهش خود باعنوان «مطالعه رایج‌ترین ترسهای دوران کودکی»، به شناخت موضوعات ترس پرداخته است. این پژوهش به روش پیمایشی انجام شده و جامعه آماری آن دانش آموزان شهر اصفهان بوده است. یافته‌های پژوهش نشان داده که شیوه‌های سخت گیرانه،

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1398.16.3.5.4]

انضباط شدید در رفتار والدین، پیروی بی چون و چرا از مقررات و دستورات سخت و خشک مدرسه و رفتار معلمان، رایج‌ترین عامل ترس کودکان از مدرسه است.

محمدی نیا (۱۳۷۳) در تحقیقی به نقش سبکهای فرزندپروری والدین در پیش بینی اضطراب امتحان و اضطراب اجتماعی دانش آموزان پرداخته است. روش پژوهش مذکور اسنادی بوده است. یافته‌های پژوهش نشان داده که اضطراب عاملی مخرب در یادگیری و یادآوری مطالب آموخته شده است. از این رو اضطراب سبب افت تحصیلی و کاهش نمرات ارزشیابی مستمر و امتحانات پایانی می‌شود.

فروزان‌کیا (۱۳۹۳) در پژوهش خود به بررسی علل ترس از مدرسه در دانش آموزان پرداخته است. روش این پژوهش از نوع میدانی با استفاده از پرسشنامه است و جامعهٔ آماری پژوهش، شامل دانش آموزان و کودکان درزمان تحصیل بوده اند که نشان داده جدایی کودک از خانواده مهم‌ترین عامل ترس کودکان است.

فاضل، سلیمانی و رشیدی آل‌هاشم (۱۳۸۱)، پژوهشی با عنوان «کودکان، سرمایه اجتماعی خانواده و عوامل مؤثر بر آن» به روش اسنادی و پیمایشی انجام داده اند. جامعه آماری پژوهش دانش آموزان دوره راهنمایی شهر قم بوده‌اند. در این پژوهش ترس از مدرسه به سبب انضباط و مقررات سختگیرانه مدارس که آزادی دانش آموزان را محدود می‌کند، اعلام شده است.

علیزاده (۱۳۹۵) در پژوهش خود با عنوان «بررسی علت ترس از مدرسه در دانش آموزان دوره ابتدایی» به این موضوع پرداخته است. روش پژوهش پیمایشی است که از طریق پرسشنامه در میان ۶۰ دانش آموز اجرایی شده است. این پژوهش علت ترس از مدرسه را بی انگیزگی معرفی کرده است. باقری، احدی و لطفی‌کاشانی (۱۳۸۹)، در پژوهش خود با موضوع «رابطه سبکهای مقابله‌ای و جو خانوادگی با شادکامی فرزندان دوره ابتدایی» با روش تحقیق میدانی و پیمایشی، نمونه ای متشکل از ۳۶۴ نفر از خانوارهای شهر تهران را مورد آزمون قرار داده و به این نتیجه رسیده اند که سبکهای مقابله‌ای هیجان–مدار و مؤلفه‌های مربوط به محیط خانواده (انسجام و سازماندهی) با متغیر شادکامی همبستگی مثبت دارند و میان تعارض و شادکامی همبستگی منفی وجود دارد. براساس نتایج این پژوهش، انسجام و شادکامی خانواده مانع از افزایش ترس و هراس از مدرسه می‌شود.

فضلی(۱۳۸۹) در کتابی با عنوان «چرا بچه‌ها مدرسه را دوست ندارند» عوامل مؤثر بر کیفیت آموزشی را با استفاده از منابع پژوهشی تحلیل کرده است. او ویژگیهای فردی کودکان، محیط

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1398.16.3.5.4]

خانواده، محیط فیزیکی مدرسه، تراکم دانش آموزان در کلاس، انتظارات معلم، قوانین مدرسه، کیفیت محتوای برنامه های درسی و سطح دانش و صلاحیت معلمان را از عوامل زمینه‌ساز ترس از مدرسه در دانش آموزان عنوان کرده و راهکارهای کاربردی برای کاهش مدرسه هراسی ارائه داده است.

جانسون[1] و همکاران(۱۹۴۱) در پژوهش خود با موضوع «هراس از مدرسه» دریافتند که در مدرسه هراسی نوعی آشفتگی عاطفی وجود دارد که با اضطراب شدید همراه است. آنها همچنین دریافتند که کودکان مدرسه هراس نمی‌توانند ترسهایشان را بازگو کنند. علت ترس در این پژوهش رفتار معلم عنوان شده که به فردی مستبد مبدل شده است و کودک باید از او تبعیت کند (کان و کاروال،۱۹۹۷). ردریگز[2] (۱۹۶۰) در پژوهش «مدرسه هراسی» به موضوع سازگاری اجتماعی پرداخته و به این نتیجه رسیده که گروه روان نژند در مقایسه با کسانی که به شدت ناسازگارند، بهتر است و این امر به سن افراد بستگی دارد و نه جنسیت آنان. عواملی که مانع سازگاری کودکان با محیط می‌شود اختلالات اسکیزوفرنیک، از هم پاشیدگی خانوادگی و عدم درمان ناکامی است (همان منبع). کولیج (۱۹۷۵) در زمینه بررسی مفهوم مدرسه هراسی به پیشرفتی چشمگیر دست یافته است. او دو گروه پسران و دختران را مورد مطالعه قرار داده و به این نتیجه رسیده که علت مدرسه هراسی ضعف در ناسازگاری اجتماعی و جدایی از مادر خانواده است (نورستن و همکاران، ۱۳۶۷). برگ و همکاران (۱۹۷۸) در بررسی و پژوهش روگردانی از مدرسه کودکان به این نتیجه رسیده اند که دو عامل: ۱. مربوط به مدرسه شامل: تحکم، رویدادهای حسی همراه با ضربه روحی، ترس از امتحانات، خجالت از ناتوانیهای جسمی، ۲. مربوط به خانواده شامل: بیماری یا مرگ یکی از اعضای خانواده، تهدید ناشی از جدایی والدین، تولد خواهران یا برادران، تغییر منزل و همچنین ارزشهای فرهنگی خانواده از عوامل شتاب دهنده مدرسه هراسی اند. میلر (۲۰۰۱) در نخستین بررسیهایی که انجام داده به این نتیجه رسیده است که مدرسه‌گریزی نشانه ای از اختلالات رفتاری است که غالباً روند بزهکاری را در بر می‌گیرد و مشکلات آن همهٔ اعضای خانواده را دربر می‌گیرد. او علت مدرسه‌گریزی را دو عامل روانی و فردی و عامل دیگر را عوامل محیطی مانند روابط کودک با پدر و مادر، شخصیت، پرجمعیتی خانواده‌ها و عدم ارضای نیازها در خانه یا مدرسه همچنین نیاز خود والدین در پذیرش تکالیف اجتماعی می‌داند(همان منبع). ویلسون

1. Johnson
2. Rodriguez

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1398.16.3.5.4]

(۲۰۱۲) روابط سه نسل (مادر بزرگ، مادر و دختر) را در مورد مدرسه هراسی مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و به این نتیجه رسیده که مادرها و دخترها احساس می‌کردند نیازهای خاص عاطفی دارند که ارضا نشده است. آنها در آرزوی ارضای خاطره‌ها به سر می‌بردند و جدایی از یکدیگر برایشان مشکل بوده است: جدایی به سبب ازدواج، جدایی به سبب مرگ، خاطرات منفی در اذهان مادربزرگ، مادر و دختر به جا می‌گذارد و جدایی از یکدیگر و فرزندان احساس بدی ایجاد می‌کند، لذا جدایی کودک از مدرسه را تداعی جدایی از زندگی می‌دانند.

اهداف پژوهش

هدف اصلی پژوهش

بررسی، تحلیل و شناخت عوامل اجتماعی مؤثر بر مدرسه هراسی در دوره اول ابتدایی و ارائه راهکار به متولیان نظام تعلیم و تربیت و خانواده‌ها و مسئولان ذیربط.

هدف فرعی

تعیین میزان تأثیرگذاری فشار خانواده، رفتار معلم و ویژگیهای کودکان در مدرسه هراسی بر اساس آمار توصیفی و همبستگی متغیرها با یکدیگر.

نهادها و سازمانهای ذی‌نفع

سازمانی که این پژوهش به طور مستقیم برای آن سودمند است وزارت آموزش و پرورش است، اما سازمانها و نهادهای مرتبط با حوزه کودک و روانشناسی اجتماعی مانند سازمان بهزیستی، مراکز پیش دبستانی، انجمن اولیا و مربیان و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و ... نیز می‌توانند از یافته‌های آن بهره بگیرند.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش دانش آموزان پسر شهر تهران در دوره ابتدایی (کلاسهای اول، دوم و سوم) است که در سال تحصیلی ۹۷- ۱۳۹۶ در مناطق سه گانه ۲، ۶ و ۱۶ مشغول به تحصیل بوده‌اند که مجموعاً ۱۲۹۹۴ نفر بوده و براساس فرمول کوکران ۵۴۵ نفر انتخاب شدند. برای انتخاب نمونه‌ها ابتدا از میان مناطق مختلف شهر تهران سه منطقه (شمال، مرکز و جنوب) بر اساس معیارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی انتخاب شد: منطقه۲ (مرفه – غیرسنتی)، منطقه ۶ (متوسط- غیرسنتی نسبی) و ۱۶ (غیرمرفه- سنتی). پس از آن به روش تصادفی از مدارس ابتدایی هر منطقه ۱۰ درصد با توجه به جامعه آماری مدارس، براساس فرمول کوکران انتخاب شده و با شیوه تصادفی خوشه ای سه کلاس در هر خوشه (کلاس اول، دوم و سوم) گزینش شده است.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1398.16.3.5.4]

سپس با همکاری مدیریت مدارس با توجه به محدودیت آماری فرمول کوکران ۱۵ درصد از دانش آموزان هر کلاس بر اساس سیاههٔ کلاسی دانش آموزان (با فاصله ۷ نفر) به عنوان نمونه نهایی تعیین شدند و پرسشنامه‌ها برای تکمیل در اختیار اولیای دانش آموزان قرار گرفت. در نهایت از میان پرسشنامه‌های برگشتی که ۹۷ درصد برگشت داده شد، تعداد ۵۴۵ مورد پس از حذف پرسشنامه‌های ناقص و دارای پاسخهای بی‌ربط برای استخراج و پردازش اطلاعات بررسی و تحلیل شدند.

روش تحقیق

روش پژوهش از نوع توصیفی تحلیلی است که ازنظر هدف کاربردی و ازنظر زمان حال‌نگر است و همچنین ازنظر گردآوری اطلاعات پیمایشی است و از پرسشنامه استفاده شده است. در این پژوهش سعی شده عوامل اجتماعی مؤثر بر مدرسه هراسی کودکان در دوره اول ابتدایی از طریق تکمیل پرسشنامه به کمک والدین در ۶ شاخص زیر مورد بررسی وتحلیل قرارگیرد.

۱. علاقه‌مندی کودک به مدرسه (خودداری از رفتن به مدرسه، اظهار ناراحتی و دلخوری، بهانه‌گیری، اظهار شادی، بی‌توجهی و بی‌علاقگی در انجام دادن تکالیف، احساس شادی پس از برگشت از مدرسه، میزان کوشش و تلاش کودک در خواندن درس)
۲. انتظارات اولیا و فشار خانواده
۳. رفتار معلمها، ناظم، مدیر و کادر اجرایی با کودک (اخراج از مدرسه، شکایت معلم و ناظم از دانش آموز، مقایسهٔ دانش آموزان با یکدیگر، نمرات دانش آموزان)
۴. امکانات و تسهیلات دانش آموز در منزل(داشتن اطاق مستقل، میز تحریر، وسیله رفت و آمد و...)
۵. توجه اولیا به وضع تحصیلی و پیگیری وضعیت تحصیلی کودک در مدرسه (غیر ملموس، پنهان از چشم کودک)
۶. تجربه کودک در مدرسه با شرکت در جشن شکوفه‌ها(جشن آغازین)

روش گردآوری اطلاعات

در این پژوهش ابتدا از روش اسنادی و مطالعات کتابخانه‌ای و مشاهده برای تعریف مفاهیم وگویه‌ها استفاده شده و در مرحله بعد با استفاده از پرسشنامهٔ محقق‌ساخته با ضریب آلفای کرونباخ ۸۵ درصد به سنجش متغیرهای پژوهش پرداخته شده است. داده‌های مطالعه با نرم افزار آماری SPSS و از طریق آزمون x2 و آزمون t تجزیه وتحلیل شده است.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1398.16.3.5.4]

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول: میان علاقه(رضایتمندی) کودکان با مدرسه هراسی براساس آزمونx2 رابطه وجود دارد.

فرضیه دوم: تاکید و فشار خانواده در زمینهٔ تحصیل فرزندان در افزایش مدرسه هراسی براساس آزمونt تأثیر دارد.

فرضیه سوم: میان رفتار عوامل مدرسه با مدرسه هراسی رابطه وجود دارد.

فرضیه چهارم: امکانات و تسهیلات دانش آموز و مسئولیت او بر مدرسه هراسی تأثیر دارد.

فرضیه پنجم: میان انتظارات اولیا از فرزندانشان با عوامل مدرسه هراسی رابطه وجود دارد.

فرضیه ششم: میان توجه اولیا به وضع تحصیلی فرزندان با مدرسه هراسی رابطه وجود دارد.

فرضیه هفتم: شرایط فیزیکی مدرسه در مدرسه هراسی کودکان تأثیر دارد.

سیمای نمونه آماری تحقیق

۳۳/۴ درصد نمونه مورد بررسی در پایه تحصیلی اول ابتدایی، ۳۲/۷ درصد در پایه دوم ابتدایی و ۳۳/۹ درصد در پایه سوم ابتدایی تحصیل می‌کرده‌اند.

جدول ۱: توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب مقطع تحصیلی

مقطع تحصیلی	فراوانی	درصد
اول ابتدایی	۱۸۲	۳۳/۴
دوم ابتدایی	۱۷۸	۳۲/۷
سوم ابتدایی	۱۸۵	۳۳/۹
جمع	۵۴۵	۱۰۰

نمودار توزیع پاسخگویان برحسب مقطع تحصیلی (درصد)

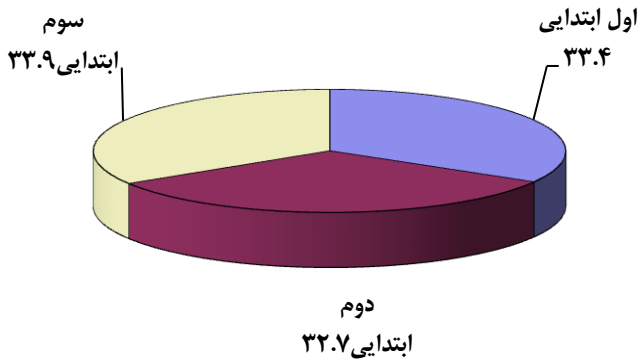

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1398.16.3.5.4]

یافته‌های پژوهش

مقدار آماره آزمون (p) و سطح معناداری (sig)نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل با متغیر وابسته مدرسه هراسی دانش‌آموزان در سطح ۵ درصد معنادار است و وجود رابطه پذیرفته می‌شود. گفتنی است مقدار ضریب همبستگی و آزمون آماری نشان می‌دهد که با افزایش یا کاهش مقدار یکی از متغیرها، مقدار متغیر دیگر نیز کاهش یا افزایش می‌یابد.

علاقه به مدرسه

نتایج نشان می‌دهد که ۳۳/۸ درصد دانش آموزان مورد بررسی «کم و بیش» از رفتن به مدرسه خودداری کرده اند. ۴۴/۶ درصد دانش آموزان «کم و بیش» برای رفتن به مدرسه اظهار ناراحتی و دلگیری (دلخوری) داشته‌اند. ۲۰/۹ درصد دانش آموزان «کم و بیش» برای نرفتن به مدرسه به مریض بودن، داشتن سردرد و یا به بهانه‌های دیگر متوسل شده اند. ۸۹/۵ درصد دانش آموزان «کم و بیش» از تعطیل شدن مدارس اظهار خوشحالی کرده‌اند. ۵۹/۸ درصد دانش آموزان «کم و بیش» در انجام دادن تکالیف خود بی‌توجهی و بی‌علاقگی نشان داده‌اند. ۹۶/۹ درصد دانش آموزان «کم و بیش» به خواندن درس علاقه‌مندند و برای آن کوشش می‌کنند.

تأکید و فشار خانواده در امر تحصیل فرزند

بررسی همبستگی متغیرهای رفتار خانواده با مدرسه هراسی دانش آموزان با آزمون استقلال نشانگر رابطه مستقیم شاخصهای رفتار خانواده با مدرسه هراسی است. نتایج نشان می‌دهد که ۹۶/۵ درصد دانش آموزان مورد بررسی «کم و بیش» در بدو ورود به مدرسه با شوق و علاقه به مدرسه رفته اند. ۹۷ درصد والدین «کم و بیش» پیشرفت و موفقیت دانش آموز (فرزندشان) برایشان مهم است. ۸۲/۱ درصد والدین «کم و بیش» برای انجام دادن تکالیف مدرسه به فرزندشان پافشاری می‌کنند. ۹۹/۴ درصد والدین «کم و بیش» فرزندشان را از بعضی چیزها برای انجام دادن تکالیفشان محروم کرده‌اند. ۵۵/۷ درصد والدین فرزندشان را «کم و بیش» برای انجام دادن تکالیف سرزنش یا توبیخ کرده‌اند. ۷/۱ درصد والدین «کم و بیش» کودکشان را برای انجام دادن تکالیف مدرسه تنبیه بدنی کرده‌اند. ۵/۴ درصد والدین «کم و بیش» برای انجام دادن تکالیف به کودکشان کمک کرده اند.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1398.16.3.5.4]

نظر مدرسه نسبت به دانش آموز

بررسی ضریب همبستگی ۰/۲۷۹ و سطح معناداری آن (۰/۰۰۰) نشان می‌دهد که رابطه میان رفتار عوامل مدرسه با مدرسه هراسی به گونه ای است که با افزایش و کاهش مقدار یکی از متغیرها مقدار متغیر دیگر نیز کاهش یا افزایش پیدا می‌کند به طوری که ۰/۷ درصد والدین اظهار داشته اند فرزندشان بدون اطلاع آنان از مدرسه اخراج شده است. ۳۳/۲ درصد والدین اذعان کرده اند که معلم فرزندشان «کم و بیش» در مورد رفتار او شکایت داشته است. ۱۰/۸ درصد والدین «کم و بیش» گفته اند مدرسه یا ناظم مدرسه در مورد رفتار فرزندشان شکایت داشته است.

امکانات و تسهیلات دانش‌آموز و مسئولیتهای او

نتایج نشان می‌دهد ۶۰/۹ درصد والدین اظهار داشته‌اند که فرزندشان پیاده به مدرسه می‌رود. ۳۴/۲ درصد والدین گفته‌اند فرزندشان در کارهای منزل «هیچ» مسئولیتی ندارد. ۲/۴ درصد والدین به اشتغال فرزندشان به جز تحصیل اشاره کرده‌اند. ۲۴/۲ درصد والدین هم اذعان کرده‌اند که فرزندشان «هیچ» پول توجیبی از آنان دریافت نمی‌کند. گفتنی است ۵۱/۷ درصد دانش‌آموزان مورد بررسی اتاق مستقل داشته اند.

انتظارات اولیا از فرزندانشان

۳۶/۵ درصد والدین هم «کم و بیش» گفته اند فرزندشان را با دیگر دانش‌آموزان به لحاظ تحصیلی مقایسه کرده‌اند. ۲۶/۵ درصد والدین «کم و بیش» فرزندشان را به لحاظ وضعیت تحصیلی ضعیف، سرزنش کرده‌اند. ۱/۳ درصد والدین، فرزند خود را به سبب وضعیت تحصیلی ضعیف، تنبیه کرده و ۳۵ درصد زمینه بیشتر درس خواندن دانش‌آموز را فراهم کرده‌اند. ۶۴/۲ درصد والدین از وضع تحصیلی فرزندان خود در مقایسه با دیگران راضی بوده‌اند. ۱۰/۱ درصد والدین هم از وضع تحصیلی فرزندان در مقایسه با دیگران ناراضی بوده‌اند. ۶/۶ درصد والدین اظهار کرده‌اند که فرزندشان قبل از شروع مدرسه ناراحت به نظر می‌رسیده است.

توجه اولیا به وضع تحصیلی فرزند

بررسی همبستگی متغیرهای رفتار خانواده با مدرسه نشان می‌دهد که در سطح ۵ درصد معنادار بوده و وجود رابطه پذیرفته می‌شود. همچنین نتایج نشان می‌دهد ۴۴/۸ درصد والدین اظهار داشته اند که فرزندشان در هیچ یک از دروس ضعیف نبوده است. ۹۲/۵ درصد والدین «کم و بیش» در زمینهٔ وضعیت تحصیلی فرزندشان با معلم او تماس داشته اند. ۴۴/۸ درصد والدین «کم و بیش»

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1398.16.3.5.4]

با ناظم یا مدیر مدرسه فرزندشان تماس داشته اند. گفتنی است ۸۹/۷ درصد والدین «کم و بیش» از وضع تحصیلی فرزندشان راضی بوده‌اند.

تجربه کودک در زمینهٔ محیط جدید مدرسه و جشن شکوفه‌ها (مهدکودک، روز اول مدرسه و...)

نتایج حاصله نشان می‌دهد که ۸۴/۲ درصد دانش آموزان در جشن آغازین احساس شادی، خوشحالی و رضایت کرده بودند. همچنین ۶۰/۲ درصد آنان به مهدکودک رفته اند که این امر یکی از عوامل مؤثر در کاهش مدرسه هراسی است.

شخصیت و وضعیت رفتاری کودک به تفکیک مقطع تحصیلی

نتایج حاصله نشان می‌دهد ۳۷/۸ درصد کودکان مورد بررسی در مقطع اول دبستان بیشتر «زرنگ و زبل»، در مقطع دوم دبستان ۱۹/۷درصد بیشتر «آرام و سر به زیر» و ۲۲/۵ درصد بیشتر «محتاط» و در مقطع سوم دبستان ۱۷درصد بیشتر «زیربار زور نرو» نسبت به سایر مقاطع تحصیلی بوده‌اند. بررسی نتایج عوامل اجتماعی مؤثر بر مدرسه هراسی در میان دانش آموزان دوره اول ابتدایی (اول تا سوم دبستان) نشان می‌دهد که به ترتیب میانگین سازه‌های نظر مدرسه (با میانگین ۹۱/۴۱ از ۱۰۰ نمره)، فشار خانواده (با میانگین ۷۷/۱۸ از ۱۰۰ نمره)، تجربه دانش آموز (با میانگین ۷۲/۴۸ از ۱۰۰ نمره) و علاقه به مدرسه (با میانگین ۷۱/۸۴ از ۱۰۰ نمره) بیشترین و سازه‌های امکانات و تسهیلات (با میانگین نمره ۴۰/۱۵) و شرایط فیزیکی (با میانگین۵۷/۳۵ از ۱۰۰ نمره) دارای کمترین میانگین در میان عوامل مورد بررسی بوده اند. میانگین نمره کل عوامل اجتماعی مدرسه هراسی در میان دانش آموزان مورد بررسی ۶۷/۸۹ از ۱۰۰ است. گفتنی است در این بررسی هر دانش آموز که نمره بیشتری را کسب کند از تجربه و مهارتهایی مناسب‌تر برخوردار است. شایان ذکر است هر دانش آموز که نمره کمتری را به خود اختصاص دهد مدرسه هراسی بیشتری نسبت به سایر دانش آموزان دارد.

جدول ۲: عوامل اجتماعی مؤثر بر مدرسه هراسی در میان دانش‌آموزان دوره اول ابتدایی (اول تا سوم دبستان)

شاخص	آماره	سازه							
		علاقه به مدرسه	فشار خانواده	نظر مدرسه	امکانات و تسهیلات	انتظارات اولیا	توجه اولیا	شرایط فیزیکی	تجربه دانش‌آموز
شاخصهای تمرکز	میانگین	۷۱/۸۴	۷۷/۱۸	۹۱/۴۱	۴۰/۱۵	۶۳/۲۶	۶۳/۸۱	۵۷/۳۵	۷۲/۴۸
	میانه	۷۱/۲۵	۷۷/۹۰	۱۰۰	۳۳/۵۰	۶۵	۶۶/۷۰	۶۲/۵	۱۰۰

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1398.16.3.5.4]

	حداقل و حداکثر	۲۲/۵و۱۰۰	۱۲/۵و۱۰۰	۰و۱۰۰	۰و۹۹/۹	۲۵و۹۱/۷	۰و۱۰۰	۰و۱۰۰
شاخصهای پراکندگی	انحراف معیار	۱۱/۰۸۱	۱۳/۵۲۹	۱۶/۰۹۲	۱۵/۹۷	۹/۹۶۷	۲۳/۴۳۱	۱۸/۷۰۷
	واریانس	۱۲۲/۷۸۶	۱۸۳/۰۳۸	۲۵۸/۹۶۵	۲۵۴/۹۶۲	۹۹/۳۴۰	۵۴۹/۰۲۲	۳۴۹/۹۵۳
شاخصهای توزیعی	چولگی	-۰/۵۵۶	-۰/۸۹۶	-۲/۸۵۳	۰/۵۶۰	-۰/۸۶۵	-۰/۵۳۹	-۰/۱۵۱
	کشیدگی	۰/۷۸۴	۱/۸۵۱	۱۰/۳۴۷	۰/۲۷۳	۱/۳۶۸	۰/۰۲۰	۰/۰۰۱
فاصله اطمینان ۹۵درصد	حد پایین	۷۰/۹۰	۷۶/۰۲	۹۰/۰۳	۳۸/۸۱	۶۲/۴۱	۶۱/۸۲	۵۵/۷۵
	حد بالا	۷۲/۷۷	۷۸/۳۳	۹۲/۷۸	۴۱/۵۰	۶۴/۱۱	۶۵/۷۹	۵۸/۹۵

جدول ۳: سازه کلی عوامل اجتماعی مؤثر بر مدرسه هراسی در میان دانش‌آموزان دوره اول ابتدایی (پایه‌های اول تا سوم دبستان)

شاخص	آماره	سازه
		کل
شاخصهای تمرکز	میانگین	۶۷/۸۹
	میانه	۶۸/۴۹
	حداقل و حداکثر	۸۵/۳و۲۹/۵
شاخصهای پراکندگی	انحراف معیار	۸/۲۵۸
	واریانس	۲۹/۵۸
شاخصهای توزیعی	چولگی	-۰/۷۸۰
	کشیدگی	۱/۷۴۵
فاصله اطمینان ۹۵درصد	حد پایین	۶۷/۱۹
	حد بالا	۶۸/۵۸

بررسی بیشتر یافته‌ها با آزمون(p)، سطح معناداری، آزمون F و ضرائب رگرسیون پارامترهای مستقل مؤثر بر مدرسه هراسی با آماره آزمون t نشان می‌دهد که دانش آموزان در پایه‌های تحصیلی متفاوت (اول تا سوم دبستان) در میانگین سازه‌های انتظارات اولیا، امکانات و تسهیلات، توجه اولیا به وضع تحصیل فرزند و سازه کلی با یکدیگر تفاوتهای معنادار دارند. گفتنی است در میانگین نمره سازه کل عوامل اجتماعی مؤثر بر مدرسه هراسی، دانش آموزان پایه سوم دبستان میانگینی به مراتب کمتر از دانش آموزان پایه دوم و اول دبستان داشته اند که کمتر بودن این میانگین نمایانگر کاهش مدرسه هراسی دانش آموزان سوم دبستان در مقایسه با دانش آموزان پایه دوم و اول دبستان است.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1398.16.3.5.4]

جدول ۴: میانگین و انحراف استاندارد عوامل اجتماعی مؤثر بر مدرسه هراسی در میان دانش آموزان دوره اول ابتدایی (اول تا سوم دبستان) به تفکیک مقطع تحصیلی

سازه	اول دبستان		دوم دبستان		سوم دبستان		آزمون فرضیه		
	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار آماره (f)	درجه آزادی (df_1وdf)	سطح معناداری
علاقه به مدرسه	۷۱/۹۳	۱۱/۵۰۱	۷۲/۱۱	۱۰/۶۳۱	۷۱/۴۸	۱۱/۱۲۹	۰/۱۵۴	(۲و۵۴۲)	۰/۸۵۷
فشار خانواده	۷۸/۷۴	۱۴/۰۱۳	۷۶/۲۳	۱۲/۹۹۵	۷۶/۴۷	۱۳/۴۶۳	۱/۹۲۱	(۲و۵۴۲)	۰/۱۴۷
نظر مدرسه	۹۲/۱۳	۱۶/۴۰۹	۹۲/۵۴	۱۲/۴۷۷	۸۹/۲۵	۱۹/۳۲۷	۲/۱۵۷	(۲و۵۴۲)	۰/۱۱۷
امکانات و تسهیلات	۴۲/۷۹	۱۶/۶۸۹	۴۲/۱۷	۱۵/۶۸۴	۳۵/۴۹	۱۴/۴۸۱	۱۲/۱۱۰	(۲و۵۴۲)	۰/۰۰۰
انتظارات اولیا	۶۳/۴۰	۹/۵۲۰	۶۳/۷۶	۹/۴۲۲	۶۲/۶۴	۱۰/۷۳۹	۰/۵۹۰	(۲و۵۴۲)	۰/۵۵۵
توجه اولیا	۶۸/۹۸	۲۴/۴۵۶	۶۳/۰۱	۲۲/۹۷۰	۵۹/۴۲	۲۱/۹۱۷	۷/۸۳۹	(۲و۵۴۲)	۰/۰۰۰
شرایط فیزیکی	۵۳/۹۶	۱۷/۶۴۶	۵۴/۱۲	۱۸/۳۲۹	۶۴/۰۷	۱۸/۵۸۳	۱۸/۱۹۹	(۲و۵۴۲)	۰/۰۰۰
سازه کل	۶۹/۶۸	۸/۵۱۹	۶۸/۲۵	۷/۵۹۸	۶۵/۷۲	۸/۱۶۱	۱۱/۱۹۱	(۲و۵۴۲)	۰/۰۰۰

بررسی بیشتر یافته‌ها با آزمونهای آماری درجه آزادی(df و df1) ومیانگین و انحراف استاندارد پایه‌های اول، دوم و سوم دبستان با مقدار آماره (f) وآزمون(p) و ضرائب رگرسیون پارامترهای مستقل مؤثر بر مدرسه هراسی با برآورد بارهای عاملی استاندارد و سطح معناداری نشان می‌دهد که دانش‌آموزان متولد سالهای ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۹ در میانگین سازه‌های نظر مدرسه، امکانات و تسهیلات، توجه اولیا به وضع تحصیل فرزند، شرایط فیزیکی و سازه کلی با یکدیگر تفاوتهای معنادار دارند. گفتنی است در میانگین نمره سازه کل عوامل اجتماعی مؤثر بر مدرسه هراسی، با افزایش سن دانش آموزان آنان میانگین نمره‌ای به مراتب بیشتر از دانش آموزان سنین پایین تر داشته اند که بیشتر بودن این میانگین نمایانگر قوی‌تر بودن علاقه به مدرسه در میان دانش آموزان با سنین بالاتر در مقایسه با دانش آموزان با سنین پایین‌تر است.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1398.16.3.5.4]

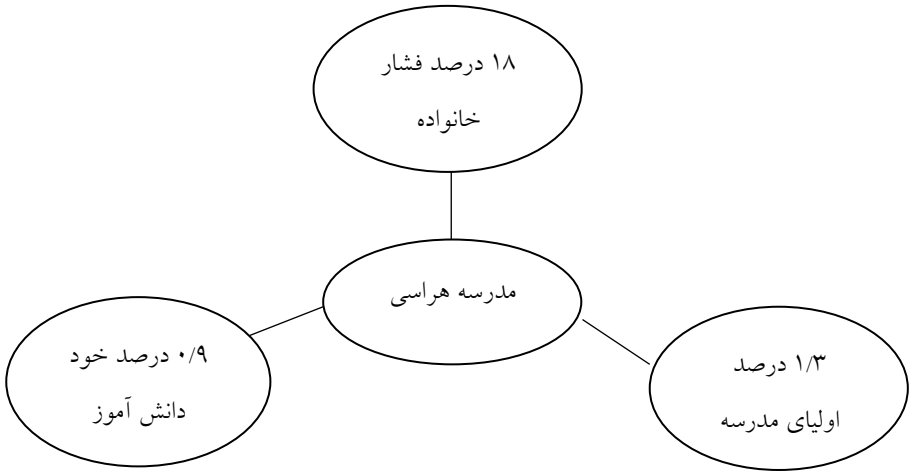

شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش در متغیرهای مؤثر در مدرسه هراسی

بحث و نتیجه‌گیری

هراس از مدرسه صرفاً علل روانی و فردی ندارد، بلکه گذشته از ویژگیهای رفتاری، شخصیتی و فردی بیشتر به عوامل اجتماعی و تربیتی بستگی دارد که از طریق یادگیری و تجربه در کودک حاصل می‌شود. این پژوهش با شناخت، توصیف، تفسیر و ارائه راهکارها حاوی پیشنهاداتی برای مسئولان تعلیم و تربیت در کشور است. مدرسه هراسی نشانگر وجود اختلالات شناختی -رفتاری در کودک است که غالباً روند یادگیری و آموزش را در آنان دچار اختلال می‌کند(کرمی نوری،۱۳۸۶). این اختلالات می‌تواند مشکلاتی برای کارکنان مدرسه و همه اعضای خانواده همچنین برای خود دانش آموز ایجاد کند.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که میان متغیر وابسته (مدرسه هراسی) با متغیرهای مستقل گفته‌شده همبستگی و رابطه مستقیم وجود دارد به طوری که دستکاری یکی از شاخصهای متغیرهای مستقل سبب افزایش یا کاهش مدرسه هراسی به منزلهٔ متغیر وابسته می‌شود. بر اساس نتایج پژوهش انجام شده علاقه دانش آموز به مدرسه با شرکت در جشن آغازین مدرسه و حضور در مهدکودک در کاهش مدرسه هراسی دانش آموزان دوره ابتدایی با ۸۴/۲ درصد و رفتن به مهدکودک با ۶۰/۲ درصد همراه با خوشحالی و رضایت بوده است. علل مدرسه هراسی در شاخصهای عوامل مدرسه در سطح ۵ درصد رابطه مستقیم را نشان می‌دهد. همچنین در این فرضیه رفتار خانواده با ضریب همبستگی ۰/۲۲۰ و سطح معناداری ۰/۰۰۰ حاکی از رابطه مستقیم تأثیرگذاری رفتار خانواده بر مدرسه هراسی بوده است. البته انتظارات اولیا از کودک در مقایسه با دیگران و همچنین وضع

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1398.16.3.5.4]

تحصیلی آنان مانند سطح نمرات فرزند، وضعیت تحصیلی و نوع دروس آنان بوده که در این پژوهش فرضیه مذکور اثبات شده است. یکی از دلایل مدرسه هراسی ضعف در سازگاری با محیط مدرسه و دوری از والدین و اعضای خانواده است (تورانی، ۱۳۸۰).

نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که سه عامل فشار خانواده در امر تحصیل فرزند، نظر اولیای مدرسه نسبت به دانش‌آموز و تجربه کودک دربارهٔ محیط مدرسه از عوامل مؤثر بر مدرسه هراسی دانش آموزان در پایه‌های اول تا سوم ابتدایی است. گفتنی است که ۲۰/۲درصد از علل مدرسه هراسی دانش آموزان پایه‌های اول تا سوم دبستان به عوامل پیش‌گفته بستگی دارد که بیشترین تأثیر (۱۸درصد) مربوط به عامل فشار خانواده در امر تحصیل فرزند، ۱/۳درصد به نظر اولیای مدرسه نسبت به دانش‌آموز و ۰/۹ درصد به تجربه کودک دربارهٔ محیط مدرسه بوده است؛ به طوری که بخشی از پیشینه و ادبیات نظری پژوهشهای پژوهشگران داخلی مانند شرفی(۱۳۶۷)، محمدی‌نیا (۱۳۷۳)، فضلی(۱۳۸۹) و پژوهشگران خارجی مانند جانسون (۱۹۴۱) و میلر (۱۳۸۰) را اثبات کردند. همچنین میان میانگینهای امکانات و تسهیلات، توجه اولیا، شرایط فیزیکی مدرسه و سازه کلی مدرسه هراسی در میان دانش آموزان پایه‌های اول تا سوم دبستان تفاوت معنادار در سطح اطمینان ۹۹ درصد وجود دارد.

نتایج تحلیل واریانس نشان می‌دهد که تأکید و فشار خانواده، نظر اولیا مدرسه و تجربه دانش‌آموز از قدرت تبیین متغیر وابسته مدرسه هراسی دانش آموز برخوردار است. بنابراین با توجه به سطح معناداری، آماره t و میزان ضریب بتا (β) می‌توان نتیجه گرفت متغیرهای تأکید و فشار خانواده، نظر اولیا مدرسه و تجربه دانش‌آموز بر مدرسه هراسی دانش‌آموز تأثیر دارند. گفتنی است ضریب تعیین تعدیل شده (R2) ۷/۱۹ درصد را نشان می‌دهد که ۲۰/۲ درصد از متغیرهای مدرسه هراسی دانش‌آموزان پایه اول تا سوم ابتدایی بر اساس نتایج حاصله به عوامل پیش‌گفته بستگی داشته است. بیشترین تأثیر مربوط به عامل انتظارات خانواده در امر تحصیل فرزندان، سپس رفتار معلم، ناظم، مدیر و کارکنان مدرسه با کودکان و درنهایت تجربه کودک در محیط مدرسه از قبیل رفتن به مهدکودک یا شرکت در جشن شکوفه‌ها و خوش‌بینی و بدبینی نسبت به مدرسه است.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1398.16.3.5.4]

محدودیتهای پژوهش

پژوهش حاضر در دوره اول ابتدایی(پایه‌های اول، دوم و سوم دبستان) انجام شده است و قابل تعمیم به سایر دوره‌های تحصیلی و گروههای سنی بالاتر نیست. همچنین باتوجه به شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی اولیای دانش آموزان تهرانی برای تعمیم نتایج آن به سایر مناطق کشور نیاز به حجم نمونه‌گیری بیشتری وجود دارد. از این رو پیشنهاد می‌شود برای پژوهشهای آتی از نمونه آماری سایر استانها نیز استفاده شود.

پیشنهادهای کاربردی

۱. انتظارات اولیا نسبت به پیشرفت تحصیلی فرزندانشان اصلاح و تعدیل شود.
۲. انجمن اولیا و مربیان مرکز برای اولیا مدارس سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مناسب را انجام دهد.
۳. برگزاری برنامه‌های تفریحی و سرگرمیهای جذاب بیشتر برای دانش آموزان، برای اینکه احساس صمیمیت با کادر اجرایی مدرسه (مدیر، معاون و معلم) داشته باشند، مانند اردوها، بازدیدهای علمی، فعالیتهای تربیتی، ورزشی و ...
۴. تعامل خانواده‌ها با مدرسه برای شناخت دانش آموزان و همکاری در رفع موانع مدرسه هراسی.
۵. افزایش تجربه کودکان با قرار گرفتن در محیطهای آموزشی، پیش از ورود به دوره دبستان مانند پیش‌دبستانی و جشن شکوفه‌ها همراه با والدین و داشتن برنامه‌های شاد و متنوع به‌منظور ایجاد سازگاری کودک با محیط جدید مدرسه برای کاهش استرس و کسب تجربه جدایی از والدین.
۶. عدم مقایسه دانش آموزان با یکدیگر به طوری که نمره مبنای ارزیابی و مقایسه پیشرفت تحصیلی نباشد.
۷. ایجاد زمینه‌های تشویق و ترغیب به جای سرزنش و تنبیه در انجام دادن تکالیف از سوی خانواده‌ها و کادر مدرسه.
۸. بهره‌گیری از اساتید مجرب در زمینهٔ آموزش خانواده‌ها و برگزاری کلاسهای ضمن خدمت برای همهٔ کارکنان مدرسه مانند دوره‌های شناخت اهمیت ویژگیهای اجتماعی و ذهنی دانش آموزان.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1398.16.3.5.4]

پیشنهادهای پژوهشی

۱. انجام دادن پژوهش به صورت آمیخته (روش کمّی و کیفی) با تأکید بر عوامل اجتماعی مؤثر بر مدرسه هراسی.
۲. اجرای پژوهشهای مشترک از سوی پژوهشگران حوزه روانشناسی و جامعه‌شناسی برای بررسی ویژگیهای فردی و اجتماعی.
۳. انجام دادن پژوهش در سطح گسترده (کل کشور) و الگویابی از کشورهای موفق.
۴. بررسی تطبیقی مدرسه هراسی در مناطق روستایی و شهری.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1398.16.3.5.4]

منابع

آرونسون، الیوت. (۱۳۷۵). *روانشناسی اجتماعی*، ترجمه حسین شکرکن. تهران: انتشارات رشد، چاپ دوم.

باقری، نسرین؛ احدی، حسن و لطفی‌کاشانی، فرح. (۱۳۸۹) . رابطه سبک‌های مقابله ای و جو خانوادگی با شادکامی. *تحقیقات روانشناختی*، ۲(۸)، ۲۱-۳۳.

براون، سالی و هورن، هلن. (۱۳۷۹). *چگونه کیفیت آموزش را بهبود بخشیم*، ترجمه فرخ لقا رئیس‌دانا. تهران: نشر قدیانی، چاپ هشتم.

تقی‌پور ظهیر، علی .(۱۳۹۳). *مقدمه ای بر برنامه‌ریزی آموزشی و درسی*. تهران: انتشارات آگه، چاپ سی و نهم.

تورانی، حیدر. (۱۳۸۰). *کیفیت‌بخشی آموزش و پرورش دوره ابتدایی*: با رویکرد مدیریت کیفیت جامع. تهران: نشر قو، چاپ اول.

شرفی، محمدرضا. (۱۳۷۶). مشکلات تربیتی را چگونه حل کنیم. تهران: انتشارات تزکیه. چاپ اول.

شعاری‌نژاد، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). *نقش فعالیت‌های فوق‌برنامه در تربیت نوجوانان*. تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ چهارم.

علیزاده، حمید. (۱۳۹۵) . *روانشناسی و آموزش دانش آموزان با نیازهای ویژه* . تهران: انتشارات ارسباران، چاپ پنجم.

فاضل، رضا؛ سلیمانی، مجید و رشیدی آل‌هاشم، رکن الدین. (۱۳۸۱). سرمایه اجتماعی خانواده و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی شهر قم). *مطالعات جامعه‌شناختی ایران*، ۱ (۲)، ۴۱-۵۴.

فروزان‌کیا، مریم. (۱۳۹۳). ترس از مهد کودک و مدرسه. قابل بازیابی از سایت:

https://article.tebyan.net/274920/

فضلی، رخساره. (۱۳۸۹). *چرا بچه ها مدرسه را دوست ندارند*. تهران: انتشارات کورش، چاپ اول.

کرمی نوری، رضا. (۱۳۸۶). *روانشناسی حافظه و یادگیری: با رویکردی شناختی*. تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.

محمدی‌نیا، محسن. (۱۳۷۳) . *نابهنجاری های رفتاری دانش آموزان کل کشور*. تهران: طرح پژوهشی.

ملکی، صفی الله و عربانی‌دانا، علی. (۱۳۹۱). *یادگیری کارآمد و خلاق*. تهران: انتشارات پیام رسان، چاپ اول.

مور، استفن. (۱۳۶۷). *دیباچه ای بر جامعه‌شناسی*، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. تهران: انتشارات ققنوس، چاپ اول.

میلر، جان. (۲۰۰۱). *آموزش و پرورش روح به سوی یک برنامه درسی معنوی*، ترجمه نادرقلی قورچیان (۱۳۸۰). تهران: انتشارات فراشناختی اندیشه، چاپ سوم.

نورستن، جین پی؛ هوارد، کارول و کان، جک. (۱۳۶۷). *بیزاری از مدرسه*، ترجمه حسن سلطانی‌فر. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول.

Johnson, A.M., Falstein , E.I., Szurek, S.A., & Svendsen, M. (1941). School Phobia. *American Journal of Orthopsychiatry*, *11*(4), 702-711.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1398.16.3.5.4]